سده، جشن آتش

مصباح، ضیاء

تاریخ پرفرازونشیب کشور ما پیوسته شاهد مبارزاتی پیگیر برای دفاع سرسختانه از اصالت ملی در همه‏ی زمینه‏های سیاسی، اجتماعی،مذهبی و فرهنگی بوده و در این راه پدران ما به‏طور دائم‏ با حمله‏های نظامی،فرهنگی و عقیدتی مبارزه کرده‏اند و موجودیت‏ خود را که با هویت،آئین،زبان و فرهنگ خاص آنان درآمیخته بود، به شدت پاس می‏داشتند.

-از نظر سیاسی/نظامی،تاسیس دولت مستقل رستمیه در شمال آفریقا به دست«عبد الرحیم رستم»رهبر نظامی و مذهبی‏ خراسانی و بعد«یعقوب لیث صفاری»و سپس«ابو مسلم خراسانی» و آن‏گاه«ارتش ایرانی دیلمی»...

-در قلمرو فرهنگی بلاخص،رویارویی آریایی با فرهنگ مهاجم‏ سامی حتا از رویاروئی‏های سیاسی برای حفظ ارزش‏های ملی‏ شدیدتر و پی‏گیرتر بود و تبار ایرانی،گذشته‏ی پر افتخارش را به‏ فراموشی نسپرد و آن را در تمام جلوه‏های،ادب،هنر،شعر،موسیقی، فولکلور،رسوم روزمره‏ی خویش و بالاخص حفظ سنّت‏ها و از آن‏ جمله جشن‏های نوروز،مهرگان،سده و...را همواره زنده نگاه داشته‏ است.

به روال آئین باستان در پسین روز دهم بهمن،هم‏اکنون نیز همه ساله در نقاطی از ایران که زرتشتیان بیش‏تری سکونت دارند،از جمله کرمان،یزد،تهران،جشن سده باشکوه تمام برگزار می‏شود و ایرانیان که تابع سنن و آداب خود مانده‏اند،در این شادی حضور فعال‏ دارند به قول فردوسی:

بهشتم بیایید ز آتشکده‏ چو نزدیک شد روزگار سده

-بیرونی در کتاب التفهیم سبب نام‏گذاری سده را به عدد صد ارتباط داده و می‏گوید:از آن روز تا نوروز پنجاه روز است و پنجاه شب و در آثار الباقیه آورده است که این جشن درست صد روز پس از آغاز زمستان،که پنج ماه و از اولین روز آبان‏ماه آغاز می‏شد،گرفته می‏شد، زیرا که ایرانیان باستان سال را به دو بخش می‏کردند،تابستان هفت‏ ماهه و زمستان پنج ماهه.

-این وجه تسمیه و هنگام اصلی جشن به عهد ساسانیان‏ می‏رسد.

-وجه دیگر تسمیه‏ی سده آن است که می‏گویند چون اولاد آدم‏ به صد رسید و مصادف با دهم بهمن بود،آن را سده نام نهادند و در آن شب آتش‏بازی کردند و کوه‏های آتش از هیمه و چوب‏ برافروختند.

ز هوشنگ ماند این سده یادگار بسی باد چون او دگر شهریار

(فردوسی) بعضی جشن را به فریدون نسبت داده‏اند:

سده جشن ملوک نام‏دار است‏ ز افریدن و از جم یادگار است

(عنصری) منوچهری سروده است:

آمد ای سید احرار شب جشن سده‏ شب جشن سده را حرمت بسیار بود

در این روز ایرانیان جشن مفصلی برپا می‏کردند و آتش بسیار می‏افروختند.

ملوک و سلاطین وقت،مرغان و جانوران صحرایی را گرفته، دسته‏های گیاه خشک برپای آنان بسته و شعله‏ور می‏ساختند و رهایشان می‏کردند تا آتش در همه‏ی کوه و صحرا افتد و سده هرچه‏ وسیع‏تر و باشکوه‏تر.

اینک بیامدست به پنجاه روز پیش‏ جشن سده،طلایه‏ی نوروز نامدار

(منوچهری) صد به صاد معرّف سده به سین است،چون در کلام فرس قدیم‏ صاد نیامده و در قدیم صد را به سین می‏نوشتند.

شب سده است،یکی آتش بلند افروز حق است مر سده را،بر تو حق آن بگذار

(فرخی) گویند واضع این جشن کیومرث بود و او را صد فرزند دختر و پسر،چون به سن رشد و تمیز رسیدند،در شب این روز جشنی ساخت‏ و همه را کدخدا کرد و آتش بسیار برافروختند و به این سبب آن را سده‏ می‏گویند:

به نوروز جمشید و جشن و سده‏ که نو گشتی آئین آتشکده

این سنّت فرخنده و شادی افزا را پاس می‏داریم و به یاد اجدادمان‏ برگزاری باشکوه آن را در رسالت خویش می‏بینیم و نسل جوان را مسؤول حفظ این‏گونه سنّت‏ها...که چنین باد.